

تاریخچه و محتوای

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

چگونگی تهیه اعلامیه

این اعلامیه در دسامبر ۱۹۴۸ (۱۹ آذر ۱۳۲۷) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و به طور رسمی انتشار یافت. هدف نویسندگان اعلامیه این بود که اعلامیه مزبور به گونه ای تنظیم شود که مورد موافقت همه اعضای سازمان ملل متحد و یا حداقل اکثریت آنها قرار گیرد تا حقوق مندرج در آن ضمانت اجرایی موثری پیدا کند ولی چون این توافق در تمام جهات بین اعضا به وجود نیامد و ضمناً اعلامیه به تصویب همه ی مجاس مقتنه کشورهای عضو سازمان ملل محدود نرسید لذا اعلامیه جهانی حقوق بشر دارای ضمانت اجرایی موثر و کارآمدی نیست. از این رو باید آن را باید تنها نشانه ی توافق ضمنی دول و ملل جهان در يك سلسله آرمانهای مشترك و بیانگر حقوق و آزادیهای اساسی در زمینه ی بین المللی تلقی کرد.

محتواي اعلامیه

ماده ۱: تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می باشند و باید نسبت به یکدیگر مانند برادر رفتار کنند

ماده ۲: هر کس می تواند بدون هیچ گونه تمایز، خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره مند گردد. به علاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد. خواه این کشور مستقل، تحت قیمومیت یا غیر خود مختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد

ماده ۳: هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

ماده ۴: احدى را نمى‌توان در بردگى نگه داشت و داد و ستد بردگان به هر شكلى كه باشد ممنوع است.

ماده ۵: هيچكس را نبايد مورد ظلم و شكنجه و رفتار يا كيفرى تحقيرآمىز ، موهن ، يا خلاف انسانيت و شان بشر قرار داد.

ماده ۶: هر كس حق دارد كه شخصيت حقوق او در همه جا به عنوان يك انسان در مقابل قانون شناخته شود.

ماده ۷: همه در برابر قانون ، مساوى هستند و حق دارند بدون تبعيضى و بالسويه از حمايت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعيضى كه ناقض اعلاميه حاضر باشد و بر عليه هر تحريكى كه براى چنين تبعيضى به عمل آيد به طور تساوى از حمايت قانون بهره مند شوند.

ماده ۸: در برابر اعمالى كه حقوق اساسى فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق به وسيله قانون اساسى يا قانون ديگرى براى او شناخته شده باشد ، هر كس حق رجوع به محاكم ملئ صالحه دارد

ماده ۹: احدى را نمى‌توان خود سرانه توقيف ، حبس يا تبعيد نمود.

ماده ۱۰: هر كس با مساوات كامل حق دارد كه دعوايش به وسيله دادگاه مساوى و بى طرفى ، منصفانه و علنا رسيدگى بشود و چنين دادگاهى درباره حقوق و الزامات او يا هر اتهام جزايى كه به او توجه پيدا کرده باشند، اتخاذ تصميم بنمايد.

ماده ۱۱: الف) هر كس به بزه كارى متهم شده باشد بى گناه محسوب خواهد شد تا وقتى كه در جريان يك دعوای عمومى كه در آن كلييه تضمين هاى لازم براى دفاع از او تايمين شده باشد ، تقصير او قانونا محرز گردد.

ب) هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب ، آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمی شده است محکوم نخواهد شد . به همین طریق هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می گرفت درباره احدی اعمال نخواهد شد.

ماده ۱۲: احدی در زندگی خصوصی ، امور خانوادگی ، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله های خود سرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد . هر کس حق دارد که در مقابل این گونه مداخلات و حملات ، مورد حمایت قانون قرار گیرد.

ماده ۱۳: الف) هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.

ب) هر کی حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود باز گردد.

ماده ۱۴: الف) هر کس حق دارد در برابر تعقیب ، شکنجه و آزار ، پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند. ب) در موردی که تعقیب واقعا مبتنی به جرم عمومی و غیر سیاسی و رفتارهایی مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد ، نمی توان از این حق استفاده نمود.

ماده ۱۵: الف) هر کس حق دارد ، که دارای تابعیت باشد. ب) احدی را نمی توان خود سرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

ماده ۱۶: الف) هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ محدودیت از نظر نژاد ، ملیت ، تابعیت یا مذهب با هم دیگر زناشویی و هنگام انحلال آن ، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی می باشند.

ب) ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود.

پ) خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره مند شود.

ماده ۱۷: الف) هر شخص ، منفرداً یا به طور اجتماعی حق مالکیت دارد.

ب) احدی را نمی‌توان خود سرانه از حق مالکیت محروم نمود.

ماده ۱۸: هر کس حق دارد که از آزادی فکر ، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است . هرکس می‌تواند از این حقوق یا مجتمعاً به طور خصوصی یا به طور عمومی بر خوردار باشد.

ماده ۱۹: هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن ، به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی ، آزاد باشد.

ماده ۲۰: الف) هرکس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد.

ب) هیچ کس را نمی‌توان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد.

ماده ۲۱: الف) هر کس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود ، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشد شرکت جوید.

ب) هر کس حق دارد با تساوی شرایط ، به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید.

پ) اساس و منشأ قدرت حکومت ، اراده مردم است . این اراده باید به وسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و به طور ادواری ، صورت پذیرد . انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رای مخفی یا طریقه‌های نظیر آن انجام گیرد که آزادی رای را تامین نماید.

ماده ۲۲: هر کس به عنوان عضو اجتماع ، حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله مساعی ملی و همکاری بین المللی ، حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و نمو آزادانه شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد.

ماده ۲۳: الف) هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید ، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.

ب) همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی ، اجرت مساوی دریافت نمایند.

پ) هر کس که کار می‌کند به مزد منصفانه و رضایت بخشی ذیحق می‌شود که زندگی او و خانواده اش را موافق شئون انسانی تامین کند و آن را در صورت لزوم با هر نوع وسایل دیگر حمایت اجتماعی، تکمیل نماید.

ت) هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه‌ها نیز شرکت کند.

ماده ۲۴: هر کس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و به خصوص به محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی های ادواری ، با اخذ حقوق، ذیحق می‌باشد.

ماده ۲۵: الف) هرکس حق دارد که سطح زندگی او ، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تامین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری ، بیماری ، نقص اعضا ، بیوگی ، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان ، وسایل امرار معاش او از بین رفته باشد از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود.

ب) مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره مند شوند . کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند ، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند.

ماده ۲۶: الف) هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود . آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد . آموزش ابتدایی اجباری است . آموزش حرفه ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل ، به روی همه باز باشد تا همه ، بنا به استعداد خود بتواند از آن بهره مند گردند.

ب) آموزش و پرورش باید به طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد اکمل رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی های بشری را تقویت کند . آموزش و پرورش باید حسن تفاهم ، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت های ملل متحد را در راه حفظ صلح ، تسهیل نماید.

پ) پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

ماده ۲۷: الف) هر کس حق دارد در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند ، از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فوائد آن سهیم باشد.

ب) هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی ، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

ماده ۲۸: هر کس حق دارد برقراری نظم را بخواهد که از لحاظ اجتماع و بین المللی ، حقوق و آزادی هایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده ، تامین کند و آنها را به مورد عمل بگذارد.

ماده ۲۹: الف) هر کس در مقابل آن جامعه ای وظیفه دارد که رشد آزاد کامل شخصیت او را میسر سازد.

ب) هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی های خود ، فقط تابع محدودیت هایی است که به وسیله قانون ، منحصر به منظور تامین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی ، در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است.

پ) این حقوق و آزادی ها ، در هیچ موردی نمی تواند بر خلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد.

ماده ۳۰: هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتواند هر یک از حقوق و آزادی های مندرج در اعلامیه را از بین ببرد و یا در آن راه ، فعالیتی بنماید.

میثاق های بین المللی حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر پس از تنظیم و انتشار اعلامیه ی جهانی حقوق بشر از لحاظ آنکه این اعلامیه فاقد تدابیر اجرایی و ضمانت اجرا بود بی درنگ مصمم شد که در این زمینه میثاق هایی که از لحاظ حقوق ملی و بین المللی برای دولت های امضا کننده الزام آور باشد به تصویب رساند. هدف کمیسیون مزبور این بود که اصول ضوابط و استانداردهای پذیرفته شده در اعلامیه ی حقوق بشر به طور دقیق و مشروح در يك سند بین المللی الزام آور برای دول تصویب کننده

آن وارد بشود و دولت ها در مقابل آن متعهد و ملتزم شوند و بالاخره اعلامیه ی جهانی در زمینه ملی و بین المللی ضمانت اجرا پیدا کند .

در سال ۱۹۵۴ کمیسیون مقدماتی یک طرح درباره میثاق حقوق مدنی و سیاسی و طرح دیگری درباره ی حقوق اقتصادی و اجتماعی تنظیم و به مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد کرد . مجمع عمومی از سال ۱۹۵۵ طی جلسات متعددی این طرح ها را ماده به ماده مورد بررسی قرار داده و سرانجام در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ آنها را به اضافه ی یک پروتکل اختیاری که ضمیمه میثاق حقوق مدنی و سیاسی است تصویب و برای امضا به کشورهای عضو پیشنهاد کرد . چون بر طبق یکی از مواد میثاق ها هنگامی قابل اجرا بودند که سی و پنج دولت به آن ملحق شوند از این رو مدت ها طولکشید تا آنکه پس از تکمیل امضا ها میثاق های بین المللی حقوق بشر به مرحله ی اجرا در آمدند و به این ترتیب پس از گذشت نزدیک به بیست سال پس از تصویب اعلامیه جهانی مجمع عمومی سازمان ملل متحد موفق شد یک سیستم ضمانت اجرا برای حقوق بشر به تصویب برساند .

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) که گاهی از آن به اختصار تحت عنوان «میثاق حقوق مدنی و سیاسی» یا با علائم اختصاری ICCPR یا CCPR نیز در متون یاد می شود در زمره مهمترین اسناد بین المللی در حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی است که منعکس کننده حقوق معروف به نسل اول حقوق بشر است . تبیین و تحلیل اجمالی این سند بسیار مهم را طی نکاتی که در قالب زیر ارائه می نمایم:

الف) فرآیند تدوین میثاق

فرآیند تدوین میثاق حاضر در قسمتی از برهه زمانی و سیر تحولی آن مشابه روندی است که در به رسمیت شناختن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطرح شده است . در سال ۱۹۴۸ م مجمع عمومی از کمیسیون حقوق بشر خواست تهیه پیش نویس میثاقی درباره حقوق بشر و راهکارهای اجرایی آن را در اولویت کارهای خود قرار دهد . کمیسیون مزبور در اجلاس پنجم خود بررسی میثاقی را با ماهیت حقوق مدنی و سیاسی مورد توجه قرار داد . اما این روند تفکیکی بین حقوق مدنی و سیاسی با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منجر به اعتراض مجمع عمومی

می‌شد، اما در نهایت پس از مباحث متعددی که مطرح شد، مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز با تدوین دو سند که یکی شامل حقوق مدنی و سیاسی و دیگر مشتمل بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد موافقت نمود.

ب) مشخصات و محتوای میثاق

متن میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) از یک مقدمه و ۵۳ ماده در قابل شش بخش تنظیم و تدوین شده است. در مقدمه این میثاق مشابه میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با به رسمیت شناختن حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و تأکید بر کرامت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال کلیه اعضای خانواده بشری تلاش شده به نحو میثاق در سیاق منشور سازمان ملل متحد قرار گیرد و به نحوی مفاد آن را به عنوان قسمتی از تعریف تعهدات برخاسته از منشور تلقی نماید.

بخش اول مقررات میثاق تنها شامل یک ماده است که در آن حق تعیین سرنوشت به رسمیت شناخته شده و به موجب آن تمامی ملل حق تعیین وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را به طور آزادانه دارا می‌باشند.

در بخش دوم مقررات میثاق مواد دوم تا پنجم قرار گرفته‌اند که شامل مقررات کلی و عمومی هستند که نسبت به تمامی مقررات مندرج در میثاق حاکم است و به نوعی با آنها مرتبط باشد. در این بخش بند ۱ در ماده ۲ بر تعهد دولت‌ها به اجرای حقوق مندرج در میثاق بدون تبعیض بر تمامی افراد مقیم در قلمرو حاکمیت دولت‌ها تأکید شده است و به همین نحو در بند ۲ و ۳ ماده مذکور نیز تأکید بر اتخاذ تائید قانون‌گذاری و غیر آن جهت تضمین حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته شده و میثاق و احقاق حقوق افراد است. در ماده ۳ بر حقوق برابر زن و مرد تأکید شده و در ماده ۴ نیز حق تعلیق (یا انحراف) دولت‌ها از بعضی از حقوق مندرج در میثاق در شرایطی که خطر عمومی موجودیت ملت را تهدید می‌کند به رسمیت شناخته شده است و البته به مواردی که برخی از حقوق و آزادی‌ها غیر قابل تعلیق‌اند نیز اشاره شده است، امری که در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان نشده است. ماده ۵ میثاق هم مربوط به نکاتی درباره تغییر مقررات مندرج در میثاق می‌شود.

بخش سوم مقررات میثاق که شامل مواد ششم تا بیست و هفتم می‌شود مهم‌ترین بخش میثاق است که شامل حقوق

ماهوی افراد می‌باشد. این حقوق ماهوی با ذکر بنیادی‌ترین حق انسان‌ها که همان حق حیات است در ماده ۶ آغاز می‌شود و سپس در ادامه در ماده ۷ حق آزادی از شکنجه رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیر آمیز، حق آزادی از بردگی، بندگی و کار اجباری یا قهری در ماده ۸، حق آزادی از دستگیری یا بازداشت خودسرانه در ماده

۹، حقوق مربوط به افرادی که از آزادی محروم شده‌اند در ماده ۱۰، منع زندانی کردن افراد به جهت عدم اجرای تعهد قراردادی در ماده ۱۱، حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب آزادانه محله زندگی در ماده ۱۲، منع اجبار در اخراج بیگانه در ماده ۱۳، حق محاکمه عادلانه در ماده ۱۴، منع عطف بماسبق شدن قوانین در ماده ۱۵، حق به رسمیت شناختن حقوق افراد در ماده ۱۶، حق خلوت یا حریم خصوصی در ماده ۱۷، حق آزادی فکر، وجدان، مذهب و عقیده در ماده ۱۸، حق آزادی بیان در ماده ۱۹، ممنوعیت تبلیغ و دعوت برای جنگ در ماده ۲۰، حق تشکیل مجامع صلح جویانه (مسالمت آمیز) در ماده ۲۱، حق آزادی اجتماع در ماده ۲۲، حق تشکیل خانواده به طور آزادانه و بدون اجبار در ماده ۲۳، حقوق مربوط به کودکان در ماده ۲۴، حق مشارکت در اداره امور عمومی در ماده ۲۵، حق برابری در مقابل قانون و بهره‌مندی از حمایت‌های آن به طور مساوی در ماده ۲۶ و در نهایت ماده ۲۷ به حقوق اقلیت‌های نژادی، مذهبی و زبانی در بهره‌مندی از فرهنگ خود و عمل مطابق با آن این فهرست ماهوی از حقوق و آزادی‌های مندرج در میثاق خاتمه یافته است. اما بخش چهارم مربوط به مقررات میثاق که از ماده ۲۸ تا ۴۵ را شامل می‌شود و پس از مقررات بخش سوم گسترده‌ترین بخش میثاق محسوب می‌شود عمدتاً مقرراتی را درباره کمیته حقوق بشر و چگونگی تشکیل و انجام وظایف، نحوه پذیرش صلاحیت آن توسط دولت‌ها و... مطرح می‌نماید که به عنوان نهاد نظارتی اجرای مقررات مندرج در میثاق مذکور پیش بینی شده است. بخش پنجم میثاق شامل دو ماده ۴۶ و چهل هفت (۴۷) است که باز هم در آن دو مقرر کلی درباره تفسیر مقررات میثاق را بیان نموده که از آن دو مناط کلی را می‌توان استخراج نمود؛ نخست آن که تفسیر مقررات میثاق نباید منشور ملل متحد لطمه‌ای وارد آورد و دیگر آن که به حق ملل در تمتع و استفاده کامل و آزادانه از منابع طبیعی آنها لطمه‌ای وارد آورد. در بخش نهمی مقررات میثاق که بخش ششم است مقرراتی درباره شیوه تصویب، لازم الاجرا شدن، اصلاح مقررات میثاق، متون معتبر در میثاق و... اشاره شد که این بخش شامل مواد ۴۸ تا ۵۳ می‌باشد.

در خصوص محتوای مقررات مندرج در میثاق این نکته که میثاق تلاش نموده تا به نوعی تمامی حقوق و آزادی‌های اساسی بشر را به رسمیت شناسد و با توجه به ماهیت الزام آور این سند و قلمرو اجرایی آن که در سطح بین‌المللی می‌باشد، گامی مهم در راستای ترویج و حمایت از حقوق بشر مدرن محسوب می‌شود که جای تردید ندارد. اما با وجود این، دو حق مهم که عبارت از حق مالکیت و حق پناهندگی هستند و در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) در مواد ۱۷ و ۱۴ به رسمیت شناخته شده بودند در میثاق حاضر جایگاهی ندارند و مسکوت مانده است که البته علت عدم ذکر آن

مربوط به نفوذ دولت‌های کمونیستی می‌گردد که به جهت ساختاری که دارند در خصوص تعریف و محدوده مالکیت و انواع پناهندگی با بلوک غرب به توافق نرسیدند و در نهایت این دو حق مسکوت گذاشته شد.

پ) نظام نظارتی میثاق

مطابق مقرراتی که در بخش چهارم میثاق آورده شد و به موجب ماده ۲۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کمیته‌ای به نام کمیته حقوق بشر (Human Rights committee) تأسیس شده که بر اجرای مقررات مندرج در میثاق از سوی دولت‌ها نظارت دارد. این کمیته مرکب از ۱۸ عضو از اتباع دولتهای مختلف عضو میثاق که دارای صلاحیت‌های والای اخلاقی و حقوقی هستند تشکیل شده است که اعضای این کمیته به مدت چهار سال انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد آن نیز بلامانع است. مهم‌ترین وظیفه کمیته مزبور رسیدگی به گزارش‌های دولت‌های عضو است که بر طبق ماده ۴۰ میثاق موظف به ارایه این گزارش‌ها شده‌اند. جلسات مربوط به رسیدگی به این گزارش‌ها عمدتاً با حضور نمایندگان خود دولت گزارش دهنده و با طرح سؤالات مختلف از سوی کمیته انجام می‌شود و سرانجام کمیته نتیجه‌گیری خود را به همراه نظارت اضافی هر یک از اعضا در گزارش سالانه‌اش به اطلاع دولتهای عضو و جمع عمومی سازمان ملل می‌رساند. در کنار این وظیفه و کارکرد مهم، کمیته حقوق بشر کارکرد مهم دیگری نیز دارد و آن مربوط به صلاحیت توافقی این کمیته می‌شود که به موجب آن کمیته حق رسیدگی به شکایتهای دولت‌های عضو علیه یکدیگر و همچنین حق رسیدگی به شکایتهای فردی علیه دولت عضو را نیز دارا می‌باشد. البته پذیرش چنین صلاحیتی اختیاری بوده و دولت‌ها در صورت تمایل طی اعلامیه‌ای جداگانه باید این صلاحیت کمیته را به رسمیت شناخته باشند تا کمیته مزبور حق رسیدگی به شکایتهای آن دولت‌های عضو را داشته باشد. مضافاً به این اقدام مهم دیگری که کمیته حقوق بشر انجام می‌دهد، ارایه تفسیر از مواد میثاق تحت عنوان «تفسیر عمومی یا کلی (General comments)» است که توسعه‌های مفهومی و ماهیتی در خصوص برخی از حقوق یا قلمرو اجرای آنها را نیز دربردارد. به هر حال کمیته حقوق بشر مهم‌ترین رکن نظارتی بر میثاق است که با عملکردهای متعدد و متفاوت خود بر اجرای مقررات میثاق نظارت دارد و در مجموع با توجه به صلاحیت‌های مختلف این نهاد و انتخاب نوع نظام نظارتی که هم نظام گزارش دهی و هم نظام عرض حال (شکایت) هر دو را شامل می‌شود می‌توان گفت گام مهمی در راستای نظارت بر اجرای حقوق مندرج در میثاق تلقی می‌شود.

ت) نحوه اجرا و تعهدات دولت‌ها

بر خلاف نحوه اجرا و تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که عمدتاً منوط به داشتن امکانات و منابع کافی شده‌اند و در آنها تعهد به انجام حداکثر اقدامات در راستای تحقق حقوق شرط شده است حقوق مدنی و سیاسی مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی مشروط به چنین اموری نشده‌اند بلکه تعهد به احترام تضمین این حقوق به طور فوری (نه تدریجی) توسط دولت‌ها در متن مقررات میثاق گنجانده شده است. از همین روی عمده تعهدات دولت‌ها در میثاق حقوق مدنی و سیاسی از جنس تعهد به نتیجه شمرده شده‌اند که در آنها دولت‌ها متعهد به ایفاء و تحقق حقوق و آزادی‌ها هستند. گر چه بسیاری از حقوق این دسته صرفاً با عدم مداخله دولت‌ها محقق می‌شوند اما بی تردید در تحقق کامل آنها اقدامات مثبت نیز لازم و ضروری می‌باشد.

دولت ایران در تاریخ ۱۳۴۷/۱/۱۵ میثاق بین المللی مدنی و سیاسی را امضا و در اردیبهشت ۱۳۵۴ از تصویب گذرانده است و به این ترتیب به آن اعتبار قانونی بخشیده و خود را به آن متعهد ساخته است.

دولت ایران در رژیم گذشته بدون هیچ قید و شرطی میثاق را به رسمیت شناخته است و بعد از انقلاب نیز دولت جمهوری اسلامی ایران نه تنها میثاق را رد نکرده و خروج از عضویتش را اعلام ننموده بلکه سیاسی کلی‌اش مبني بر همکاری با کمیته حقوق بشر بوده است. اما رویکرد نظام جمهوری اسلامی ایران با رویکرد کمیته حقوق بشر و میثاق در برخی از موضوعات نظیر، عدم تبعیض، حق حیات، حق محاکمه عادلانه، حق آزادی عبور و مرور و اخراج بیگانگان، آزادی مذهب و بیان، آزادی انجمن‌ها و مجامع و حقوق مربوط به اقلیتها دارای تعارضت و مغایرت‌هایی بوده‌اند که در جای خود باید به آنها پرداخته شود

میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که گاهی از آن به عنوان سند منعکس کننده حقوق نسل دوم یاد می‌شود و با علائم اختصاری (ICESCR) بیان می‌گردد از جمله مهم ترین اسناد بین المللی در حمایت از حقوق بشر است که ابعاد گوناگون آن به شرح زیر مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

أ. فرآیند تدوین میثاق

در سال ۱۹۴۷ میلادی تصمیم گرفته شد منشوری بین المللی حاوی سه سند تدوین شود؛ اعلامیه‌ای غیرالزام آور با ماهیت کلی، کنوانسیون‌هایی که دایره محدودتری داشته باشد و سندی که شیوه‌های اجرایی در آن بیان شود.

کمیسیون حقوق بشر به سرعت متن اعلامیه غیرالزام آور را تکمیل نمود که پس از بازبینی مجمع عمومی در سال ۱۹۴۸ م با عنوان اعلامیه جهانی حقوق بشر تصویب شد. در سال ۱۹۴۸ م مجمع عمومی از کمیسیون خواست تهیه پیش نویس میثاقی درباره حقوق بشر و اقدامات اجرایی آن را در اولویت قرار دهد کمیسیون در اجلاس پنجم خود بررسی میثاق را با ماهیت حقوق مدنی و سیاسی مورد توجه قرار داد اما در اجلاس ششم در سال ۱۹۵۰ م کمیسیون به این نتیجه رسید که به جهت نیاز به وقت زیاد برای بحث از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و لزوم مشورت با کارگزاران‌های تخصصی مربوط به میثاق مجزایی برای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در اجلاس بعدی خود در سال ۱۹۵۱ م آغاز کند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای که ابتداء در پنجمین اجلاس خود در سال ۱۹۵۰ تصویب نمود بر این نکته تأکید نمود که آزادی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از یکدیگر قابل تفکیک نیستند و بهره‌مندی از این حقوق و آزادی‌ها به هم مرتبط و وابسته‌اند. به رغم چنین توصیه‌ای کمیسیون باز هم حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به منزله دسته متمایزی از حق‌ها تلقی می‌نمود و اقدام به تدوین موادی جداگانه برای آن نمود. شورایی اقتصادی و اجتماعی که احتمال ناکارآمدی قرار داشتن میثاق در میثاق دیگر (به معنای داشتن دو نظام اجرایی مجزا) را می‌داد از مجمع عمومی درخواست کرد در تصمیم خود تجدید نظر نماید و اجازه دهد میثاق پیش نویس به دو سند مجزا تقسیم شود. پس از طی روندی مجمع عمومی برخلاف تصمیم قبلی خود از کمیسیون خواست دو میثاق در خصوص حقوق بشر تدوین نماید. پس از آن در اجلاس‌های متعدد و طولانی روند تدوین پیش نویس میثاق پی‌گیری شد تا این که بخش اساسی میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی عملاً در سال ۱۹۶۲ م تکمیل شد. این عمل در حالی رخ داده بود که مجمع عمومی در نهمین اجلاس خود در سال ۱۹۴۵ نتیجه فعالیت‌های کمیسیون حقوق بشر را به کمیته سوم

جهت بررسی ماده به ماده احاله کرده بود. در نهایت پس از طی این روند طولانی میثاق مذکور به همراه میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل اختیاری آن در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ م تصویب شد.

ب. مشخصات و محتوای میثاق

متن میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از یک مقدمه و سی و یک ماده که در قالب پنج بخش تفکیک شده بودند تشکیل شده است.

مقدمه: مشابه مقدمه میثاق حقوق مدنی و سیاسی است و به نحوی میثاق را در سیاق منشور سازمان ملل متحد قرار می‌دهد و به نحوی مفاد آن را جزئی از تعریف تعهدات برخاسته از منشور می‌داند.

بخش اول میثاق: تنها از یک ماده تشکیل شده که بر حق همه ملت‌ها به تعیین سرنوشت خود تأکید شده. به موجب آن ملت‌ها می‌توانند وضعیت سیاسی خود را به طور آزادانه تعیین نمایند و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین نمایند.

بخش دوم میثاق: شامل مواد دوم تا پنجم می‌شود که مقرراتی را تدوین نموده که به صورت کلی بوده و نسبت به تمامی مقررات ماهوی بخش سوم اعمال می‌شود. مقررات این بخش عمدتاً شامل تعهدات کلی دولت‌ها (ماده ۲ بند ۱)، اصل عدم تبعیض (ماده ۲ بند ۲)، تساوی حقوق زن و مرد (ماده ۳) و محدودیت‌های کلی (مواد ۴ و ۵) می‌شود. تذکر این که در این قسمت مشابه میثاق حقوق مدنی و سیاسی عمل نشده و به غیر قابل انحراف بودن برخی حقوق هیچ اشاره‌ای نشده است.

بخش سوم میثاق: که از مواد ۶ تا ۱۵ را شامل می‌شود می‌توان قلب میثاق دانست که در آن حق‌های ماهوی مورد حمایت در میثاق که بیان شده است. در ماده ۶ حق برکار، در ماده ۷ حق بر شرایط منصفانه استخدام، در ماده ۸ حق پیوستن و تشکیل اتحادیه‌های صنفی، در ماده ۹ حق تأمین اجتماعی، در ماده ۱۰ حق حمایت از خانواده، در ماده ۱۱

حق بهره‌مندی از استاندارد کافی زندگی، در ماده ۱۲ حق سلامتی، در ماده ۱۳ و ۱۴ حق آموزش و پرورش و در ماده ۱۵ حق فرهنگ مورد حمایت قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده‌اند.

بخش چهارم میثاق: مربوط به تبیین عناصر اصلی نظام نظارتی بر آن می‌باشد. این بخش مقرراتی را تدوین نموده که به موجب آن دولتهای عضو ملزم به ارایه گزارشهایی ادواری به سازمان ملل متحد در خصوص اقدامات انجام شده توسط آنها و توسعه‌های صورت گرفته در جهت دستیابی و رعایت حقوق مندرج در این میثاق نموده است.

بر خلاف مقررات میثاق حقوق مدنی و سیاسی نظام دریافت شکایت از افراد یا دولتها در این نظام پیش بینی شده است. گزارش‌های دولتها توسط شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بخش پنجم میثاق: حاوی نکاتی درباره شیوه تصویب و لازم الاجرا شدن میثاق است. بدین ترتیب که ماده ۲۶ میثاق را جهت امضای هر دولت عضو سازمان ملل متحد، اعضای کارگزاری‌های تخصصی یا دولت عضو اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مفتوح می‌داند. همچنین دولتهایی که مجمع عمومی از آنان دعوت نموده نیز می‌توانند عضو میثاق شوند. ماده ۲۷ میثاق را پس از تودیع سی و پنجمین سند تصویب با الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل لازم الاجرا می‌داند. ماده ۲۸ هم ناظر به اعمال و اجرای مقررات میثاق نسبت به تمامی اجزای دولتهای فدرال بدون محدودیت یا استثناء است. ماده ۲۹ هم ناظر به روند اصلاح مقررات میثاق بوده و ماده ۳۱ هم در مورد زبانهای معتبر در میثاق است.

(چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی).

حمایتی که میثاق مزبور از حقوق اقتصادی به عمل آورده گسترده و کلی است اما گنجاندن حق بر تعیین سرنوشت در متنی معاهده‌ای حقوق بشری که در درجه نخست به وضعیت افراد می‌پردازد تا حدودی مورد سوال است و دارای ابهاماتی می‌باشد. علاوه بر این، حق مالکیت که بی تردید در زمره حقوق اقتصادی محسوب می‌شود جایگاهی در میثاق ندارد و در میان فهرست حقوق وجود ندارد. علاوه بر این، میثاق مذکور بر خلاف منشور اجتماعی اورپا گروه‌های خاصی را که نیازمند حمایت خاص هستند مشخص نمی‌کند و تنها به وضعیت زنان و کودکان اشاره نموده که امری ایده آل نیست و ضروری بود از وضعیت کارگران مهاجر، سالمندان و معلولان ذهنی یا جسمی و اتباع بیگانه نیز حمایت‌هایی

خاصی را به عمل می‌آورد. البته بی‌تردید حمایت‌های میثاق معطوف به این افراد می‌شود ولی بحث آن است که تأکید بر بهره‌مندی از حمایت‌های خاص نسبت به آنان امری مطلوب‌تر به شمار می‌آید.

ج. نظام نظارتی میثاق

مواد ۱۶ تا ۲۵ میثاق که در بخش چهارم آمده دولت‌ها را ملزم به ارائه گزارش در مورد اقداماتشان در راستای اجرای مواد میثاق نموده است. گزارش‌ها تسلیم سازمان ملل شده و از طریق او به شورای اقتصادی و اجتماعی یا سایر سازمان‌های تخصصی ارجاع می‌شود. با چنین تصریحی مشخص می‌شود نظام نظارتی یا اجرایی که در میثاق انتخاب شده نظام گزارشی دهی است، در مقابل نظام عرض حال (شکایت) که در میثاق حقوق مدنی و سیاسی وجود دارد. این گونه نظام نظارتی از نظر سیاسی دارای حساسیت کم تری است و تا حد زیادی به حسن نیت دولت‌های مربوط وابسته است و نهاد نظارتی هم صرفاً مأموریت دارد به دولت‌های عضو مساعدت نموده و مشورت‌های لازم را ارائه نماید و از این جهت چنین سیستمی دارای کارکرد ارتقاء دهنده حقوق بشر یا راست آزمایی می‌باشد. از این روی برخی برکارآمدی چنین نظامی انتقاد نموده و آن را دولت محور و ناکارآمد و متناقض دانسته‌اند. اما با این حال، ابعاد ترویجی یا پیش‌گیرانه نظام نظارتی را به راحتی نمی‌توان انکار نمود. به هر حال در راستای این نظام نظارتی، شورای اقتصادی و اجتماعی ابتدا گروه‌های کاری را برای بررسی این گزارش‌ها تشکیل داد ولی چون این روش موفق نبود به جهات متعددی انتقاداتی به آن صورت گرفت سرانجام طی قطعنامه ۱۷۰/۱۹۸۵ م مقرر شد کمیته‌ای به نام کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تشکیل شود. عمده اشکالات گروه کاری مربوط به آن می‌شد که این گروه ضوابطی برای ارزیابی گزارش‌هایا شیوه‌ای مؤثر برای ارزیابی آنها ایجاد ننمود و بررسی‌های گزارش‌ها صوری و صرفاً با توجه به اختلاف نظرهای سیاسی صورت می‌پذیرفت و بیشتر توجه گروه کاری معطوف به جنبه شکلی گزارش‌ها شده بود و از توجه به ماهیت گزارش‌ها خبری نبود. در این ارزیابی‌ها هیچ نتیجه‌گیری یا توصیه‌ای وجود نداشت و ایرادات متعدد دیگری که در این مجال نمی‌گنجد.

در حال حاضر حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی متشکل از ۱۸ عضو کارشناس از میان افراد معرفی شده از سوی دولت‌های عضو که بر مبنای صلاحیت شخصی با رأی مخفی برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند در طی دو جلسه سه هفته‌ای که هر ساله در مقرر سازمان ملل در ژنو تشکیل می‌شود به بررسی گزارش‌های دولت‌های عضو می‌پردازند.

د. نحوه اجرا و تعهدات دولت‌ها

بند يك ماده ۲ میثاق که در بخش دوم قرار دارد به نحوه اجرا و در ضمن تعهدات دولت‌ها در خصوص مقررات میثاق اشاره دارد. این قسمت به گونه‌ای تدوین شده است که آن را می‌توان در برگیرنده آمیزه‌ای از دو نوع تعهد دانست. در جایی که تحقق تعهدات مفرط به تأمین منابع و امکانات و گاه همکاری‌های بین‌المللی است که غالب حقوق از این دسته‌اند تعهد دولت‌ها فوری نیست و دولت باید اقدامات خاصی را با توجه به امکاناتش در راستای تحقق آنها (حقوق) انجام دهد. لذا چنین تعهداتی به تدریج انجام می‌شوند. اما پاره‌ای از تعهدات هستند که تحقق آنها فوری است و منوط به امکانات نیست؛ از جمله این که تضمین شود حقوق مندرج در این میثاق بدون تبعیض اجرا می‌شود و دیگر آنکه دولت‌ها گام‌هایی را در راستای تحقق حقوق بردارند، بنابراین اگر هیچ اقدامی از جانب دولت‌ها صورت نپذیرد بی‌تردید نقض میثاق تحقق پیدا کرده است. در این قسمت می‌توان به الگوی سه‌وجهی از تعهدات دولت‌ها ارجاع نمود که در آن تعهد به احترام، تعهد به حمایت و تعهد به ایفاء جهت تبیین ماهیت تعهدات در حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بکار گرفته شده است و برای آگاهی از آن به بحث مستقل در خصوص ماهیت تعهدات در نظام حقوق بشر ارجاع می‌شود.